

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: تی یری میسان - par Thierry Meyssan

برگردان از: حمید محوی

۰۷ نومبر ۲۰۱۳

«زیر چشمان ما»

## سوریه تحول یافته است

پوشش رسانه ها در مورد جنگ سوریه تنها به وجوه عملیات نظامی، اقدامات بشر دوستانه و دیپلماتیک منحصر بوده و عموماً تحولات ژرفی را که در این کشور به وقوع پیوسته، ندیده گرفته اند. در حالی که عبور از این اقیانوس خشونت بی آن که تأثیرات ژرفی بر تمام جامعه بر جا گذاشته باشد ممکن نیست.

از دمشق، شهری که تی یری میسان طی دو سال گذشته در آن زندگی کرده، از چنین تحولاتی روایت می کند.

شبکه ولتر/دمشق(سوریه)/۴ نومبر ۲۰۱۳



دمشق، کهن ترین شهر مسکونی جهان

اخضر ابراهیمی فرستاده ویژه رؤسای اتحادیه عرب و سازمان ملل متحد طرح «خود» را برای گردهمایی صلح در ژنیو ۲ معرفی کرد. هدف این گردهمایی پایان بخشیدن به «جنگ داخلی» خواهد بود. در نتیجه این موضوع تحلیل های

قدیمی دو جبهه مختلف را دوباره مطرح می سازد، یعنی رویارویی آنهایی که این جنگ را ادامه منطقی «بهار عرب» می دانند، و سپس آنهایی که آن را به شکل واقعه ای تعبیر می کنند که ساخته و پرداخته توطئه و عناصر خارجی بوده است.

### جنگ از دیدگاه مخالفان مسلح

از دیدگاه غربی ها و اکثریت اعضای اتحادیه ملی، سوریه در انقلاب به سر می برد، و مردم با خواست و آرزومندی برای زندگی در دموکراسی مشابه آنچه در ایالات متحده رایج است، علیه دیکتاتور حاکم به پا خاسته اند. با این وجود چنین برداشتی از واقعیت موجود توسط شورای همکاری خلیج، شورای ملی سوریه و ارتش آزاد سوریه مردود اعلام شد. از دیدگاه آنها، مسأله آزادی نیست، بلکه مربوط است به شخصیت بشار الاسد. آنها در صورتی که رئیس جمهور کناره گیری کند و جایش را به معاونانش بسپارد به همین نهادهای موجود بسنده خواهند کرد. با این وجود، این تعبیر نیز به سهم خود از سوی مبارزانی که در منطقه هستند نفی شد، زیرا از دیدگاه آنها مسأله شخصیت بشار رئیس جمهور نیست بلکه روحیه همزیست گرای او زیر علامت سؤال است. هدف این مبارزان ایجاد یک رژیم از نوع وهابی بوده و اقلیت های مذهبی یا باید تحت فرمانبرداری آنها باشند و یا از بین بروند، و قوانین شریعت اسلامی نیز باید جایگزین قانون اساسی شود.

### آزادی بیان

در آغاز، وقتی که تیراندازان ماهر مردم را هدف می گرفتند و به قتل می رساندند، می گفتند که مأموران رژیم هستند که می خواهند ترس و وحشت را حاکم سازند. وقتی ماشین ها منفجر می شدند، می گفتند که این حملات را مأموران مخفی رژیم زیر پرچم دروغین مرتکب شده اند. وقتی حمله وسیعی موجب کشته شدن اعضای شورای امنیت شد، بشار الاسد را متهم کردند که می خواسته رقبایش را از بین ببرد. امروز، هیچکس تردیدی ندارد که این جنایات کار جهاد طلبان بوده و دائماً دست به چنین اعمالی می زنند.

از سال ۱۹۶۳ تظاهرات ممنوع اعلام شده بود و به روزنامه نگاران خارجی با احتیاط و به ندرت اجازه فعالیت می دادند، و فعالیت هایشان نیز تحت نظر بود، ولی امروز این قوانین محدود کننده قدیمی برچیده شده است. با این وجود به دلیل ترس از اعمال تروریستی به ندرت تظاهرات راه اندازی می کنند. روزنامه نگاران خارجی در دمشق بسیار هستند و آزادانه بی هیچ کنترلی رفت و آمد می کنند. بسیاری از این روزنامه نگاران دائماً از دیکتاتوری خوناشام در کشور روایت می کنند. با این وجود این روزنامه نگاران را به حال خود رها کرده اند که تا به دروغ پردازی هایشان ادامه دهند و به این امید که وقتی که دولت هایشان از طرح «سرنگونی رژیم» قطع نظر کردند، آنها نیز از دعاوی پوشالی شان دست بردارند.

در آغاز، سوری ها شبکه های تلویزیون ملی را نگاه نمی کردند، و آن را تبلیغات رژیم تلقی می کردند. مردم غالباً تلویزیون الجزیره را ترجیح می دادند. بر این اساس پیشروی های انقلابیان و جنایات «دیکتاتورها» را مستقیماً پی گیری می کردند. ولی با گذشت زمان، مستقیماً با رویدادها روبه رو شدند و خودشان مستقیماً جنایات انقلابیان دروغین را دیدند و زندگی کردند، و غالباً زندگی شان را مدیون ارتش ملی سوریه هستند. امروز مردم اکثراً شبکه های تلویزیون ملی را نگاه می کنند، و به ویژه شبکه لبنانی-عراقی، ال-میادین که در تمام جهان عرب تماشاچیان الجزیره را جذب کرده و بی هیچ پرده پوشی، آشکارا از مواضع ناسیونالیستی دفاع می کند.

## آزادی عقیده

در آغاز، مخالفان مسلح خود را چند مذهبی معرفی می کردند و چنین وانمود می کردند که گوئی از سوی اقلیت های مذهبی مورد پشتیبانی قرار گرفته اند. بعد، دادگاه های اسلامی بر پا کردند و در آن سنی های «بد»، «خانان» به انجمن آنها، علوی ها و شیعیان را به مرگ محکوم کرده و گردن زدند، و یا در میدانی عمومی شکنجه کردند، مسیحیان را از خانه هایشان راندند. امروز همه دریافته اند که وقتی توسط «معصومان»، تکفیرست ها محاکمه می شوند جزء خوارج هستند.

در حالی که روشنفکران می گویند که سوریه تخریب شده و باید آن را دوباره تعریف کرد، مردم می دانند که سوریه چیست و برای آن حاضرند بمیرند. ده سال پیش، هر خانواده ای که نوجوانی داشت سعی می کرد راهی بیابد تا او را از رفتن به خدمت زیر پرچم در ارتش معاف کند. تنها افراد فقیر به خدمت وظیفه تن می دادند. امروز، بسیاری از جوانان به خدمت وظیفه متعهد می شوند و برادران بزرگتر نیز به شبهه نظامیان خلقی می پیوندند. تمام آنها که به مذاهب مختلف تعلق خاطر و اعتقاد دارند، همه از سوریه ابدی دفاع می کنند و خدای یگانه ای را می پرستند.

طی جنگ، بسیاری از سوری ها تحول یافته اند. در آغاز، در حاشیه می ماندند و تنها رویدادها را تماشا می کردند، و غالباً می گفتند که خودشان را از هیچ جبهه ای نمی دانند. ولی پس از دو سال و نیم درد و رنج طاقت فرسا، هر یک از آنهایی که در کشور مانده اند می بایستی برای ادامه زندگی دست به انتخاب بزنند و به این نتیجه رسیدند که جنگ چیزی به جز اقدامات قدرت های استعماری نیست که روی ذغال نیم سوخته تاجر فکری فوت می کنند که تا آنچه را که نشانی از تمدن دارد، به خاکستر بدل سازند.

## آزادی سیاسی

برای من که از ده سال پیش با مسائل سوریه آشنا بودم و اکنون دو سال است که در دمشق زندگی می کنم، می توانم تشخیص دهم که این کشور تا چه اندازه تغییر کرده است. ده سال پیش، همه با صدای خفیف از مشکلاتی که با «مخابرات» (پولیس اطلاعاتی) داشتند حرف می زدند، که در هر موردی دخالت می کرد. در این کشور که بلندی های گولان هنوز تحت اشغال اسرائیل است، سرویس های اطلاعاتی قدرت فوق العاده ای کسب کرده بودند، با این وجود هیچ چیزی از آماده سازی جنگ، کندن تونل و وارد کردن اسلحه به کشور ندیدند و نشنیدند. امروز، تعداد زیادی از افسران بزهکار و خود فروخته به خارج از کشور گریخته اند، و سرویس های اطلاعاتی روی مأموریت های دفاعی متمرکز شده و تنها جهاد طلبان می توانند از آنها شکایت داشته باشند.

ده سال پیش، حزب بعث از دیدگاه قانون اساسی هدایت ملت را به عهده داشت، و تنها حزبی بود که می توانست نامزد انتخاباتی داشته باشد، ولی دیگر به عنوان حزب توده های مردم مطرح نبود. نهادهای دولتی بیش از پیش از مردم فاصله گرفته بود. امروز، تشخیص تعداد احزاب تشکل یافته کار ساده ای نیست، چون که تعداد آنها به شکل فوق العاده ای گسترش یافته. هر یک از آنها می تواند در انتخابات شرکت کند و برنده آن باشد. تنها اپوزیسیون به اصطلاح «دموکراتیک» در پاریس و استانبول تصمیم گرفته است که انتخابات را بایکوت کند، به جای آن که در انتخابات شرکت کند و شکست خود را بپذیرد.

ده سال پیش، هیچ کس در کافه ها از سیاست حرف نمی زد، مردم تنها در خانه ها و با افرادی که می شناختند این گونه مسائل را مطرح می کردند. امروز همه از مسائل سیاسی حرف می زنند، همه جا، در مناطقی که تحت کنترل دولت است ولی نه هرگز در مناطقی که تحت کنترل مخالفان مسلح قرار دارد. با این وصف می بینیم که دیکتاتوری در کدام سو و دموکراسی در کدام سو واقع شده است؟

## واکنش های طبقاتی

جنگ، در عین حال منازعه طبقاتی نیز هست. ثروتمندانی که در خارج سرمایه داشتند، وقتی به دمشق حمله شد از کشور خارج شدند. اگر چه کشورشان را دوست داشتند ولی ترجیح دادند جان و مال خودشان را حفظ کنند. بورژواها در وحشت بودند. وقتی شورشیان دست بالا را داشتند و مالیات می گرفتند به آنها مالیات پرداخت می کردند، و وقتی ارتش وارد میدان می شد و از آنها بازخواست می کرد ادعا می کردند که پشتیبان دولت هستند. در حال نگرانی، سقوط رئیس جمهور بشار الاسد را انتظار می کشیدند که الجزیره آن را قریب الوقوع اعلام کرده بود. این نگرانی ها تنها وقتی التیام پذیرفت که ایالات متحده اعلام کرد که از بمباران کشور قطع نظر کرده است. بورژواها امروز در پی بازخرید خود هستند و این امر را با تأمین مالی انجمن های امداد رسانی به خانواده های شهداء انجام می دهند.

مردم کوچه و بازار از همان آغاز می دانستند که موضوع چیست. افرادی بودند که جنگ را وسیله ای برای انتقام جوئی از وضعیت اقتصادی خودشان می دانستند، و افراد دیگری بودند که می خواستند از آزادی بیان و عقیده و خدمات اجتماعی رایگان دفاع کنند.

ایالات متحده و اسرائیل، فرانسه و بریتانیای کبیر، ترکیه، قطر و عربستان سعودی جنگی پنهانی علیه سوریه بر پا کردند و شکست خوردند، اگر چه انتظار چنین نتیجه ای را نداشتند: سوریه برای ادامه بقای خود نیروهایش را به کار گرفت و آزادی خود را بازیافت.

اگر گردهمائی ژنیو ۲ برگزار شود، قدرت های بزرگ هیچ تصمیمی نمی توانند اتخاذ کنند. دولت آینده می تواند حاصل بند و بست های دیپلماتیک باشد. هیچ قدرتی در گردهمائی نمی تواند راه حلی پیشنهاد کند که تأیید و اجرای آن به همه پرسی مردم در سوریه بستگی نداشته باشد.

این جنگ سوریه را به خون ریزی دچار کرد، نیمی از شهرها و زیربناهای آن برای ارضای طمع قدرت های بزرگ و خلیج ویران شدند. اگر کار مثبتی از عهده ژنیو ۲ ساخته باشد، تأمین مالی بازسازی سوریه توسط آنهاست است که این کشور را دچار درد و رنج و ویرانی کردند.

منبع :

<http://www.voltairenet.org/article180790.html>

گاهنامه هنر و مبارزه

۴ نومبر ۲۰۱۳